

گزارش میدانی «شهروند» از پایگاه امداد جاده‌ای - دریایی گمیچی شهرستان اسکو

مصاف تن به تن با حادثه



مدد رسانان در حال کمک به مصدوم در محل حادثه در جاده اسکو - تهران

امیر هاشمی نیا کوه دریا، جاده... فرقی نمی‌کند حادثه از کدام سمت خبر کرده باشند «مغلوب» و «توحید» که همگی از رانندگانی هستند که در این روستا در دهستان جزیره بخش ایلخچی شهرستان اسکو قرار دارد. «گمیچی» با نظر و سرعت بزرگترین روستای جزیره ششاهی یا اسلامی است پایگاه امداد جاده‌ای «گمیچی» در ۱۰ کیلومتری تریز و ۲۵ کیلومتری رومیه قرار دارد.

استمن «مغلوب» است
«مغلوب» ۲۲ ساله به پایگاه «گمیچی» آمده البته ۱۰ سالگی می‌شود که وارد هلال شده است «مغلوب» مسئول کشیک «گمیچی» است ۲۴ ساعت در پایگاه می‌گذرد و ۴ ساعت را بیرون از آن به گفته «مغلوب» ششاهی می‌شود که «گمیچی» افتتاح شده در ماه به صورت یک کلنک در جاده فعل بوده است «مغلوب» از تریز به «گمیچی» می‌آید یعنی همه ۶۰ کیلومتر را سراسری می‌کند تا به اینجا تا جاکران از اسکو، تریز، سرای و رومیه دیگر شهرهای کشیک به «گمیچی» می‌آیند «مغلوب» ششاهی است و دو پسر دارد.

توحید: شکارچی ز تیل ها
«توحید» ۱۸ ساله دیگر عضو «گمیچی» است فریاد تیل‌هایی را که در پایگاه شکار می‌کند داخل یک شیشه الکل نگه می‌دارد تعداد تیل‌ها تا به حال به عدد سه رسیده است. «توحید» شکارچی تیل‌ها از سال ۱۲ هلال حمیری شده است کامپیوتر خوانده و ۲۰ سال دارد «توحید» برای کسری ۱۱ کیلوگرم هلال مور علاقه «توحید» است.

«حمده» جانگر دیگر «گمیچی» هم از روستای سرای که ۱۵ کیلومتر با پایگاه فاصله دارد آمده است ۶ سالگی می‌شود که «حمده» جانگر «گمیچی» است. کاروانی امداد و وسایل دارو و تجهیزات مختلف امداد و نجات را طی کرده و در ماه تا ۳۰ روز به پایگاه می‌آید.

هر روز تنهایی با ۲۴ ساعته
دانش یکسال پیش است جانگران «گمیچی» با خودروهایشان شب‌ها کشیک کنار جاده می‌روند خادمی هراسان می‌آید و می‌گوید که از کوه صدای «کمک کمک» می‌شود جانگران هم فوراً به جایی می‌روند که برای آخرین بار صدای آن شنیده شده است آنها در مسیر شروع می‌کنند فریاد زدن به امید آن که فردی که کمک می‌خواسته بشنود بعد از چند دقیقه یکی از جانگران، آدمی را می‌بیند که پاره سفیدی را می‌چرخاند و بر زمین می‌فتد آنها با هزار مصیبت خودشان را به فرد آسیب دیده می‌رسانند «مغلوب»

روز بزرگ زدم بالگرد بیاد، هوا خیلی طوفانی بود. فایق ججات هم خبر کردیم بعد از ۲۰ دقیقه تلاش معلوم نتوانستیم دادیم. خونواده‌مون یکباره عوض شدن و شروع کردن به غر زدن و تانکر می‌گفتن شرمند، ما در حالت غایب نبودیم. باهاشون دوست شدیم و عکس می‌گذاشتیم»
در «گمیچی» همه‌چیز جاده‌ای تجربه می‌شود چه در کوه، چه در دریا و چه در جاده مثلا جانگران، یک روز ساعت ۴ صبح آماده می‌شوند که سر صحنه تصادف اسکانیا برآیند در «جاده» حاضر شوند «فقیه و ندیم

صخره‌ها آوردیمش پایین ما مضمون بود بعدش خونواده‌های برامون رو بیایم می‌بازن»
در «گمیچی» همه‌چیز جاده‌ای تجربه می‌شود؛ چه در کوه، چه در دریا و چه در جاده مثلا جانگران اواخر ماه رمضان پارسال متوجه می‌شوند که دو نفر در «دریا» غرق شده‌اند «به دختر ۲۰ ساله و به پسر ۲۴ ساله» فقیهون شنا کنن هوا طوفانی شده بود آب اونرا با خودش برده بود ما که رفته‌هیم چیزی نندیدیم و تک کردیم آب هر ۲ تا ششون سمت جعبه شیر برده. خونواده‌مون باهامون در گیر شدن کوه مونده بود ما

فقط جرمه‌جرمه بالاخره با بسکت آوردیمش پایین کوه که چند ساعت دیگه اونجوری می‌موند از دنیا رفته بود. الان که تک می‌کنم نتاجش منته به معجزه بود»
هم «کوه» هم «دریا» هم «جاده»
در «گمیچی» همه‌چیز جاده‌ای تجربه می‌شود؛ چه در کوه، چه در دریا و چه در جاده مثلا جانگران به «کوه» می‌زنند تا چوپانی که موشموشه در کوه‌ها سنگ رانجا دهند توحید و احمد حرف می‌زنند «سنگین بود بیشتر از صد کیلو داشت ما بسکت می‌نداشتیم.

حال دادن به دو چرخه سوار هلندی
جانگران خاطره امداد رسانی به دو چرخه سوار و توریست هلندی را می‌خاطر می‌زنند «عزیز ترکیه بود که به خاطر سرما و یخبندان نتوانست راهش ادامه بده ما هم سرفاش رفتیم و توی پایگاه آتش زدن برای کردیم از هلند رفته بود تا اینکه از اونجا آمده بود ایران و از ایران می‌خواست بره تا ترکیه همین جا ماند و کلی با هم حرف زدیم» این توریست هلندی موقع خداحافظی از جانگران، در دفتر «گمیچی» می‌نویسد: «همان نوازی تیم شما خیلی خوب و لذتبخش بود به خاطر این کار خوب شما ممنوم»

اسکان دو چرخه سوار هلندی در «گمیچی»



Dear Mr. Zafar, with pleasure I would like to congratulate you with your team at the Red Crescent Committee. Mohammad came to the maintenance to help find your centre. Jaresh, Mahid and Haman were already waiting for me to arrive. The hospitality of your team is great and all have been a true pleasure to spend the evening together. Thank you for the wonderful dinner we were able to spend together. On my way back, in a few days if I pass the centre, I will certainly stop to say hello to everybody. Warmest Regards,
de Blok 0915 904 1502 deblock@live.nl Holsaan 63 Hoek, Netherlands
5-2016



جانگران در محل پایگاه

جانگران، پایگاه در کنار آقای جانی، مرد با سابقه امداد و نجات